

چالش‌های ژانر جنگی در گفت‌وگوی «جوان» با محمد تقی فهیم، کارشناس و منتقد سینمایی

ژانر دفاع مقدس سوم باید خیابان را هم ببیند

گفت‌وگو
جواد محرمی

سینمای ژانر جنگ هنوز هم در دنیا و کشورهای صاحب سینما به دلایل مختلف دارای اهمیت ویژه‌ای است. آثاری که می‌توانند انسان‌ها را در موقعیت‌هایی نشان دهند که از آنها شخصیت‌هایی واقعی تر بروز کند و همین واقعی‌تر شدن آدم‌ها سینمای جنگ را جذاب کرده است. تمایزها و شباهت‌های فیلمسازی درباره جنگ ۱۲روزه و رمضان یا فیلمسازی در دفاع مقدس هشت‌ساله موضوعی است که با محمدتقی فهیم درباره آن به بحث و گفت‌وگو نشستیم.

■ ■ ■

به نظر می‌رسد پس از گذشت تقریباً یک سال از جنگ ۱۲روزه و نزدیک شدن به سالگرد این واقعه که با جنگ رمضان در اسفند و فروردین پیوند خورد و همچنان به نوعی درگیر آن هستیم و مقایسه واکنش سینمای کشور در این شرایط با دوران دفاع مقدس هشت‌ساله می‌توان قضاوتی در این باره داشت. نظر شما چیست؟

معمولاً در شرایط بحرانی و جنگ و به ویژه جنگ‌هایی که طولانی می‌شوند دو رویکرد در ساخت آثار هنری وجود دارد؛ یکی آثاری که با رویکرد تبلیغی و ترویج و حماسی ساخته می‌شوند و هدف آن از ساخت، روحیه دادن به جامعه و پشتیبانی روانی از اقدشار مختلف مردم و افکار عمومی است. به‌شور آوردن روزنندگان و مردم در این آثار اهمیت ویژه‌ای دارد. تأکید بر پرچم و حفظ وطن و سرزمین مادری در این آثار پررنگ است و به‌ویژه اگر جنگ ریشه‌های معنوی و قابل دفاع از ابعاد مختلف پیدا کند، این شورانگیزی از سوی خودتوده‌های مردم و اقدشار مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کند و شما می‌بینید دیگر لازم نیست لزوماً دولت‌ها و حکومت‌ها از بالا به شکلی یک‌طرفه و با تزییق بودجه‌های مالی هنرمندان راه به تولید چنین آثاری ترغیب کنند و از دل جامعه به‌طور خودجوش آثاری تولید می‌شود یا می‌توان گفت این تولیدات جنبه‌ای دوطرفه دارد، یعنی حاکمیت و مردم در تولید این آثار به شکلی همدلانه در کنار هم قرار می‌گیرند که نامونه عینی آن را در دفاع مقدس و جنگ هشت‌ساله شاهد بودیم که فیلمسازیانی مثل رسول ملاقلی‌پور، احمدرضا درویش، ابراهیم حاتم‌گی و نیز کمال تبریزی و حتی ساسومل خاچیکیان و ایرج قادری پای ساخت آثاری درباره جنگ آمدند و برخی از پر فروش‌ترین آثار تاریخ سینمای ایران در همین ژانر جنگی تولید شد. سیف‌الله داد فیلم کانی‌مانگا را می‌سازد که سال‌ها در سالن‌های سینمای سراسر کشور پخش شد و گیشه‌ها از نمایش این اثر رونق داشت یا فیلم عقاب‌های مرحوم خاچیکیان که هنوز عنوان پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را یدک می‌کشد و به لحاظ بیشترین بیننده رکورددار تاریخ سینماست. در واقع سازندگان و عوامل این آثار لازم نبود لزوماً به آنها سفارش بدهند و به‌طور خودجوش پای کار تولید این آثار می‌آمدند. در جریان جنگ ۱۲روزه و همین جنگ رمضان هم تا حدودی شاهد بودیم همین اتفاق افتاد و خیلی از فیلمسازان ما از همان ابتدا برای مشارکت در تولید اثر اشتیاق نشان دادند، چون احساس کردند باید سهم و نقش خود را در دفاع از کشور و سرزمینشان ایفا کنند و این مسئله‌ای غیر قابل انکار است.

در شرایطی که سرعت تولید اهمیت ویژه‌ای دارد، فکر می‌کنید چقدر در این توان روی تولید فیلم درباره جنگ حساب باز کرد؛ فیلمی که در خور توجه باشد و مخاطب بتواند با آن ارتباط بگیرد؟

ما شاهد آثاری هستیم که در کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی و تولید می‌شوند و به پخش می‌رسند. در ابتدای جنگ هشت ساله شاهد تولید آثاری از این دست مثل فیلم پلاک که مرحوم حسین گیل‌بازی می‌کرد و فیلمی چون عبور از میدان مین یا بازی مرحوم سعیدراد بودیم. پلاک یک اکتش جنگی به کارگردانی ابراهیم قاضی‌زاده ساخته سال ۱۳۶۴ بود که تبدیل به یکی از بیشترین فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران شد. این فیلم از سال ۶۵ تا ۸۲ در سینماهای کشور اکران می‌شد و هر سال هم فروش قابل توجهی داشت و مردم از دیدن آن استقبال می‌کردند و برخی شاید بارها برای دیدن آن به سینما می‌رفتند یا فیلم عبور از میدان مین که در سال ۶۲ ساخته شد و سعیدراد و مجید مظفری آن را بازی کردند. اینها در کوتاه‌مدت به تولید می‌رسیدند و با یک چهره قهرمانانه در این آثار مواجه بودیم که همان فیلم‌ها در دوره خودش خوب کار می‌کردند و جنبه‌ای تبلیغی داشتند و کسی هم از آنها انتظار نگاه‌های عمیق فکری خاص نداشت. اما به لحاظ تکنیکی و فنی در بعد فیلمنامه و تدوین و فیلمبرداری و برخی مباحث علمی آثار استاندارد و قابل قبولی بودند.

وقتی نام فیلم در ژانر دفاع مقدس می‌آید، ناخودآگاه عده‌ای به یاد توپ، تانک، هوپیمیا و ادوات نظامی می‌افتند و این جنبه‌های اجتماعی دفاع شاید صرفاً در پس‌حاشیه ذهن افراد جای می‌گیرد. فکر می‌کنید برای اینکه یک تعادلی در این زمینه اتفاق بیفتد، چه کار باید کرد؟

الان در کشور ما شاهد یک موج ملی‌گرایی مبتنی بر ایدئولوژی مذهبی هستیم که بخشی از آن در قالب حضور پرشور خیابانی مردم قابل رؤیت است. این شور و این حضور در صحنه خودش می‌تواند منشأ تولید آثار زیادی باشد. بازتاب این شور مردمی این روزها با آثاری که بیشتر

جنبه گزارش مستند دارد، از سوی صدواسیما و بخش‌های دیگر انجام می‌شود، اما من فکر می‌کنم در این باره ما نیاز داریم به تولید آثار داستانی جدی‌تری که بتواند این وقایع را ماندگارتر کند. دولت و حاکمیت باید به شکل جدی‌تری به تولید آثار ورود کنند. در این شرایط به‌نظم اشتیاقی از سوی جامعه سینمایی و هنری وجود دارد و بخش دولتی باید این مسئله را مدیریت کند تا شاهد ساخت آثار با کیفیتی درباره نبرد مقابل دشمن متجاوز باشیم. حال این نبرد می‌تواند جنبه اجتماعی داشته باشد یا آن جنبه نبرد میدانی را دربرگیرد. مهم این است که الان دست فیلمسازان در بحث سوزه بسیار باز است. ما شاهد یک صحنه نبرد از کف خیابان تامیدان جنگ هستیم. آن تهران و شهرهای دیگر که مردم در خیابان‌ها حضور دارند و پرچم و پلاکارد دست می‌گیرند تا آب‌های نیلگون خلیج فارس و پای لانچر، های صحنه عظیم در حال رقم خوردن است که می‌تواند پر از داستان و موقعیت‌های ناب باشد تا هنر مند آنها را ثبت یا به اصطلاح شکار کند. به‌نظم ژانر دفاع مقدس امروز از خیابان آغاز می‌شود و فیلمساز باید این صحنه را ببیند.

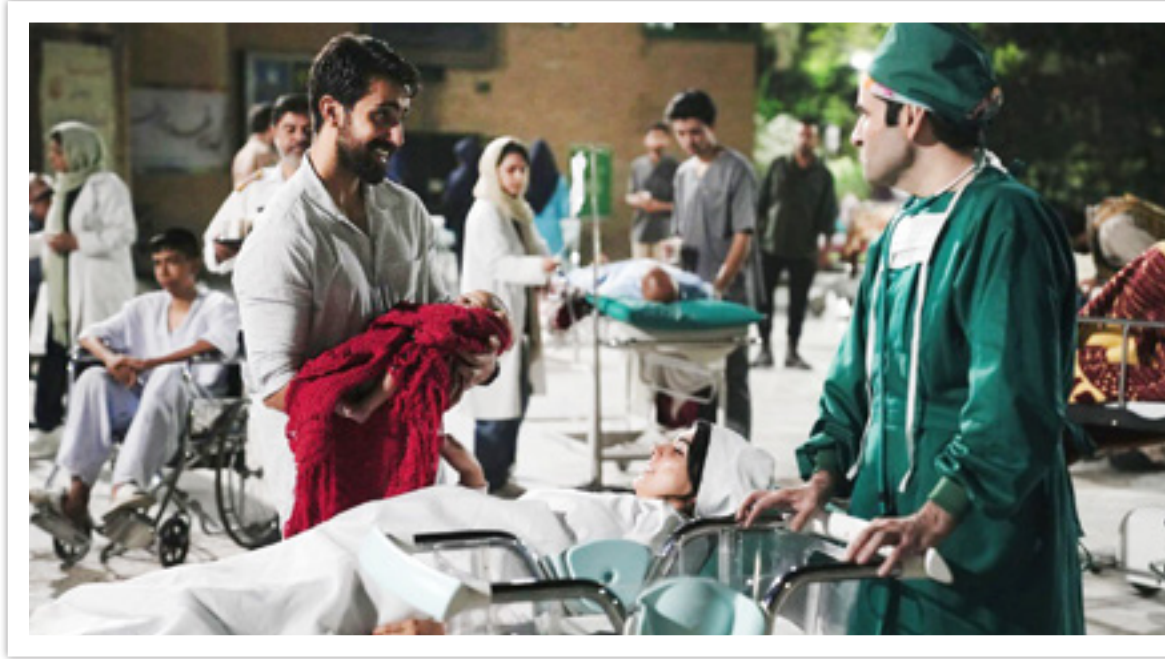
چقدر در این شرایط می‌توان روی بخش خصوصی حساب کرد؟

به‌نظم خیلی نمی‌توان در چنین وضعیتی به بخش خصوصی تکیه کرد و منتظر آن ماند و طبیعی می‌باشد. در حال حاضر وضعیت اقتصادی قدری گرفتاری بی‌ثباتی است و بخش خصوصی بیشتر سعی می‌کند سرمایه خود را حفظ کند و برای دوره تثبیت تصمیم بگیرد. الان سینما آن رونق گذشته را ندارد و انگیزه‌های تجاری بخش خصوصی مثل سابق مرتفع نمی‌شود. مخاطبین هم از سینما رفته‌اند. بنابراین از بخش خصوصی نمی‌توان انتظار زیادی داشت. منظور از بخش خصوصی بعد سرمایه‌گذار اقتصادی ماجراست.

فکر می‌کنید سفارشی بودن آثار از چه ابعادی می‌تواند مورد توجه باشد؟

اینکه یک نهاد دولتی یک موضوع کلی مطابق با منافع ملی را سفارش بدهد، جنبه منفی ندارد. برای مثال چه کسی با تولید فیلم به سود منافع ملی مخالف است؟ مسئله این

است که هر فیلمسازی نگرش و دیدگاه فنی و سینمایی خاص خود را در پرداخت و شکل‌دهی به تولید یک اثر درباره یک موضوع دارد و وقتی وارد جزئیات می‌شویم، در سفارشی بودن یا نبودن خود را نشان می‌دهد. الان شما ببینید درباره کودکان شهید مدرسه میناب می‌توان آثار مختلفی از جنبه‌های مختلف تولید کرد. می‌توان در عرض دو یا سه هفته فیلم‌هایی ساخت، اما این بستگی به توان و هنر فیملساز دارد که در کمترین زمان ممکن به توان و هنر فیلمساز دارد که در کمترین زمان ممکن اثری بسازد که کف کیفیت را دارا باشد، اما برای آینده‌ها دورتر ما فیلم‌های بهتری می‌خواهیم و فیلم‌های بهتر هم معمولاً با کمی فاصله از وقوع رویداد شکل می‌گیرند. برای مثال و ماصرفا شاهد یک عملیات جنگی سرگرم کننده هشت‌ساله خود را نشان داد و از سال‌های ۵۶به بعد تولید شد. آثاری که دیگر قرار نبود نگاهی صرفاً تبلیغی به جنگ داشته باشند و جنبه‌های عمیق‌تری از جنگ را مورد توجه قرار می‌آورد. این هم به لحاظ رویکرد تکنیکی در فیلمنامه و روایت پردازی و نیز شخصیت پردازی خود را نشان می‌داد و هم در رویکرد محتوایی به چشم می‌آمد. دیگر قرار نبود جنبه اکتشن و هیجانی آثار غلبه داشته باشند و ماصرفا شاهد یک عملیات جنگی سرگرم کننده باشیم که تعدادی از نیروها برای مثال برای نجات یک شخصی یا انجام یک مأموریت خاص به دل دشمن می‌زنند اگر چه در تاریخ سینما هم شاهد آثاری از این دست هستیم که آثار قابل تأمل به لحاظ هنری و سینمایی هستند، اما در جنگ هشت‌ساله خودمان در مقطعی نگاه فیلمسازان عمق بیشتری گرفت و زوایای دیگری از جنگ را مورد توجه قرار دادند. به‌نظم در حال حاضر ما در مرحله‌ای هستیم که نیاز به تولید آثاری داریم که جنبه‌های قهرمانی در آن پررنگ باشد و فیلم‌ها بتوانند روحیه بدهند و وحدت و ملیست را پررنگ کنند. به‌نقاط ضعف و اختلافات دامن‌زنند و به‌نظم می‌رسد همین اتفاق هم در حال رقم خوردن است. الان زمان ساخت فیلم‌هایی به اصطلاح انتقادی و معترضانه در سینما نیست، ما الان در مدت کوتاه بیشتر شاهد تولید مستندهای گزارشی هستیم که سریع ساخته می‌شوند و درست هم هست و تولید مستندهای حرفه‌ای‌تر بر عهده مراکزی چون مرکز



هر فیلمسازی نگرش و دیدگاه فنی و سینمایی خاص خود را در پرداخت و شکل‌دهی به تولید یک اثر درباره یک موضوع دارد و وقتی وارد جزئیات می‌شویم در سفارشی بودن یا نبودن خود را نشان می‌دهد. الان شما ببینید درباره کودکان شهید مدرسه میناب می‌توان آثار مختلفی از جنبه‌های مختلف تولید کرد. می‌توان در عرض دو یا سه هفته فیلم‌هایی ساخت اما این بستگی به توان و هنر فیملساز دارد که در کمترین زمان ممکن اثری بسازد که کف کیفیت را دارا باشد، اما برای آینده‌ای دور تر ما فیلم‌های بهتری می‌خواهیم و فیلم‌های بهتر هم معمولاً با کمی فاصله از وقوع رویداد شکل می‌گیرند.

close ups

نمای نزدیک

گسترش سینمای مستند و تجربی است که سفارش بدهند و انتظار داشته باشیم این آثار بعدها ماندگار بشوند و باز تاب واقعی جنگ باشند، معتمد جریان فیلمسازی جنگ ما نباید در تله نگاه‌های شیره‌وشش‌فکری بیفتد. این حساسیت از حالا باید وجود داشته باشد. در واقع ما خودمان با دست خودمان و با هزینه بیت‌المال تن به تولید فیلم‌هایی ندیم که ممکن است گمراه‌کننده باشند.

به نظر می‌رسد سینمای ضد جنگ و ادا و اطوارهایی که بیشتر نق می‌زنند، نه اینکه حتی به نیت حل یک مسئله به بعدی از ماجرا نگاه کنند، چسبون ما فیلم‌هایی که خوب و منصفانه و در جای درست معترض باشند هم داریم.

بله، اما به‌نظم الان نباید تن به این آثار داد. الان شرایط را باید برای تولید آثاری مهیا کرد که روحیه جمعی و ملی را حفظ می‌کند و بالا می‌برد. حالا در شرایط غیر جنگی و با فاصله گرفتن از جنگ عده‌ای می‌توانند نگاه‌های متفاوت خود را در قالب فیلم بروز دهند، اما در این شرایط ما نیاز به انسجام داخلی در میان اقدشار مختلف داریم و باید بر بازنمایی این وحدت ملی در آثار تأکید کنیم.

باشسیم که تعدادی از نیروها برای مثال برای نجات یک شخصی یا انجام یک مأموریت خاص به دل دشمن می‌زنند اگر چه در تاریخ سینما هم شاهد آثاری از این دست هستیم که آثار قابل تأمل به لحاظ هنری و سینمایی هستند، اما در جنگ هشت‌ساله خودمان در مقطعی نگاه فیلمسازان عمق بیشتری گرفت و زوایای دیگری از جنگ را مورد توجه قرار دادند. به‌نظم در حال حاضر ما در مرحله‌ای هستیم که نیاز به تولید آثاری داریم که جنبه‌های قهرمانی در آن پررنگ باشد و فیلم‌ها بتوانند روحیه بدهند و وحدت و ملیست را پررنگ کنند. به‌نقاط ضعف و اختلافات دامن‌زنند و به‌نظم می‌رسد همین اتفاق هم در حال رقم خوردن است. الان زمان ساخت فیلم‌هایی به اصطلاح انتقادی و معترضانه در سینما نیست، ما الان در مدت کوتاه بیشتر شاهد تولید مستندهای گزارشی هستیم که سریع ساخته می‌شوند و درست هم هست و تولید مستندهای حرفه‌ای‌تر بر عهده مراکزی چون مرکز

و دیگری مدیر بیمارستان تا آن پارکبان، پرستار، بیمار، راننده و نظامی همه و همه حول یک هدف به‌طور خودکار به صف می‌شوند و همه هم وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهند. مهدویان چند تا شخصیت می‌سازد که از نظر من به خوبی مردم ایران را نمایندگی می‌کنند. فیلمساز به خوبی فهمیده که چگونه باید درام را بچیند. یک خانم مدیر پارک در نیم‌شب بیشترین همکاری را در دل یک بحران انجام می‌دهد. تعلیق خوبی هم دارد. یا آن پزشک در عین سخت‌گیری خیلی متعهد و خوش خلق است و شرایط را درک می‌کند. از همه اینها بهتر آن راننده وانت است که برای حمل موشک در پایان فیلم می‌آید.

معتمد پد کلیت فیلم مهدویان قابل دفاع است؟

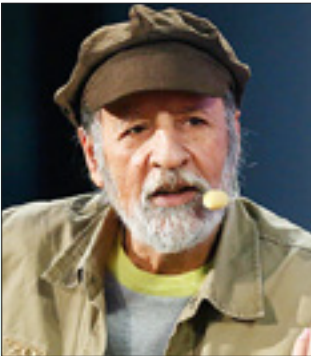
بله، فضاسازی که از یک موقعیت شبه‌جنگی درون‌شهری انجام داده و ناخواسته اقدشاری از مردم را در یک بیمارستان درگیر ماجرا کرده، به خوبی خود می‌تواند بازتاب‌دهنده نوعی اتحاد و همدلی باشد و غیر از این هم نباید انتظار داشت. به‌نظم تنوعی از افکار و طیف‌های مختلفی از اقدشار در این فیلم خود را نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مردم ایران را نمایندگی می‌کنند و نگاه فیلمساز به این مردم مثبت است. در چنین شرایطی آمدن پای وطن باید اولویت باشد. ما در جشنواره آثاری داشتیم که اتفاقاً ضد جنگ ۱۲روزه بودند، اما فیلم‌ها نیش‌ب این نگاه جمعی و روحیه جمعی را خوب به تصویر کشیده بود.

به نظر می‌رسید مهدویان یک میهمان مامان ساخته است؛ یعنی در قالب و موقعیت و جنس فیلمبرداری و روایت پردازی و همین‌طور شخصیت پردازی از الگوی میهمان مامان مرحوم مهرجویی الگوبرداری کرده‌است.

بله، اینکه مردم در شرایط سخت خیلی بهتر همدیگر را می‌فهمند و در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در شرایطی که مثلاً شکمشان خیلی سیر است و همه چیز به‌ظاهر خیلی منظم و مرتب است و یک نظم ظاهری بر همه چیز مستولی است. انگار در چنین شرایطی فردیت‌ها به‌طور عادی کمرنگ‌تر هستند.

یک فیلم هم در جشنواره داشتیم که آقای رزاق کریمی ساخته بود، درباره حال‌وهوای جنگ ۱۲روزه. فکر می‌کنید آن فیلم چقدر توانسته بود موفق باشد؟

فیلم خوبی نبود. به‌نظم مسئولانی که فیلم سفارش



“

الان این حوادثی که در خلیج فارس می‌گذرد می‌تواند سوزه صدها فیلم داستانی و مستند قوی و جذاب باشد. شاید ما آدم‌هایی که قهرمان‌های منحصر به فرد را نداریم. فیلم به خوبی نشان می‌دهد مردم ایران در شرایط بحرانی همگرا می‌شوند و منبت‌ها کنار می‌روند، انگار همه در یک سطح خود را قرار می‌دهند و حول یک موضوع با هم همدل هستند. باینتکه وضعیت بحرانی است، اما روحیه‌ها بالاست و تنش‌ها و چالش‌ها حول رفع یک هدف واحد حرکت می‌کند. آن روحیه گذشت، ایثار واز خودگذشتگی برجستگی دارد و اقدشار متخلف را در بر می‌گیرد. یکی مدیر بانک است که در این موقعیت به‌سرعت آستین بالا بزنند. نیاز به نویسنده‌هایی داریم که منتظر سفارش نمانند. کارگردان‌هایی که دل به دریا بزنند و با رعایت استانداردهای لازم اثری در خور و شایسته بسازند.

“

معتمدمدیر خوب سینمایی نداریم و گرته وظیفه دولت حمایت از هنر ملی است و جنگ هم جزئی از همین ملیت است، اما شما الان کجا یک مدیر سینمایی سراغ دارید که در تولید موفق عمل کند. زمانی شما در عرصه سینمای دفاع مقدس چند مدیر که سابقه فیلمسازی داشته باشند می‌دیدید، اما حالا افرادی که هستند را اغلب نمی‌شناسم. من خودم ۱۸سال در بنیاد شهید مشاور و کارشناس فیلمنامه بودم. زمانی گروه مدیرانی آنجا بودند که فیلم‌های خوبی ساخته می‌شد. فیلم گل‌های داودی و روز سوم آقای لطیفی در بنیاد شهید ساخته شد، اما دیگر سال‌هاست که شما نمی‌بینید از آنجا فیلمی بیرون بیاید. اگر هم بوده، آثاری هستند که مشارکت کردند و اصلاً قابلیت دیدن ندارند. یک زمانی به‌ آن می‌گفتند «تلویزیون شاهد» و ما یک جریان فیلمسازی در بنیاد شهید می‌دیدیم. محمدعلی طالبی و دیگران زمانی آنجا فیلم می‌ساختند. به‌نظم نگاهمیت شدن سینما در دنیایی که به‌سر می‌بریم هم روی رکود فیلمسازی در ایران بی‌تأثیر نبوده است. سینما دیگر در میان توده‌های مردم آن اهمیت سابق را ندارد.



می‌دهند از طریق خواندن فیلمنامه نمی‌توانند درک درستی از کیفیت اثری که قرار است ساخته شود، داشته باشند. دو تا شعار اگر باشد، فیلمساز ممکن است پس از سفارش آنها را هم حذف کند. مستندهای رزاق کریمی بیشتر مناسب شرایط صلح و آرامش هستند.

معمولاً در فیلم‌های خرده‌پیرنگ داستان خیلی غنا و قدرت ندارد. فکر نمی‌کنید این قالب اساساً مناسب ژانر جنگی نیست؟

بله، ما در باره جنگ ۱۲روزه به‌نظم یک اثر تبلیغی و حماسی مناسب ندانستیم. فیلم مهدویان اما یک فیلم واقع‌گرایانه منطقی با شرایط بود. شاید اگر ۱۰سال بعد خواستیم درباره شرایط این جنگ حرف بزنیم، این فیلم اتفاقاً به درد بخور باشد.

فیلم‌های قهرمان پرورانه برویم؟

اتفاقاً ما در شرایط فعلی به تولید چنین آثاری نیاز داریم. الان این حوادثی که در خلیج فارس می‌گذرد، می‌تواند سوزه صدها فیلم داستانی و مستند قوی و جذاب باشد.

شاید ما آدم‌هایی را که باید در سینما تربیت نکردیم که الان به‌صورت خودجوش وارد شوند و به‌تألیف به هنری و فرهنگی خود در سینما عمل کنند. ما نیاز به تهیه‌کننده‌هایی داریم که در این موقعیت به‌سرعت آستین بالا بزنند. نیاز به نویسنده‌هایی داریم که منتظر سفارش نمانند. کارگردان‌هایی که دل‌بسه دریا بزنند و با رعایت استانداردهای لازم اثری در خور و شایسته بسازند، کم داریم. الان خیلی از مدیران سینمایی اصلاً نمی‌شناسیم. آنها هم با ما کاری ندارند. به‌نظم می‌رسد متناسب با وقایع روز، سینما آن گرمی و حرارتی را که باید ندارد. کجاست یک آدمی مثل سیف‌الله داد یا حتی جواد

شقدری؟ الان شما یک مدیر نام‌ببرید که به میدان بزنند و کاری قابل تأمل از او سر بزنند.

قالب پندری فیلم در این شرایط چقدر اهمیت پیدا می‌کند؟

اینکه فیلم خرده‌پیرنگ که بتوان در آن قهرمان پیدا کرد و نه حتی قصه‌ها و معنا و نه حتی شخصیت، باید بگویم خیلی مطلق نیست. برای مثال در فیلم آقای مهدویان قهرمان ملت ایران است، با این حال ما نیاز به قالب‌هایی داریم که این دو عنصر قصه و قهرمان به خوبی در آن خود را نشان دهد. فیلم‌هایی که مردم خود واقعی‌شان را در آنها مشاهده کنند. امریکایی‌ها استاد این کار هستند. درباره چیزهایی که نداشتند آنچنان فیلم می‌سازند که شما باوری می‌کنید. ما حتی در حسد اروپا هم الان فیلم جنگی خوب نمی‌سازیم و دچار یک سینمای دولتی رخت‌زده و سرگردان هستیم.

به‌نظم مشکل اصلی دولتی بودن نیست، چون شما می‌بینید در تاریخ سینما بسیاری از فیلم‌هایی که درباره جنگ از سوی غرب ساخته شده، پشتوانه‌های مالی و فکری دولتی دارند.

معتمدمدیر خوب سینمایی نداریم، و گرته وظیفه دولت حمایت از هنر ملی است و جنگ هم جزئی از همین ملیت است، اما شما الان کجا یک مدیر سینمایی سراغ دارید که در تولید موفق عمل کند. زمانی شما در عرصه سینمای دفاع مقدس چند مدیر که سابقه فیلمسازی داشته باشند می‌دیدید، اما حالا افرادی که هستند را اغلب نمی‌شناسم. من خودم ۱۸سال

در بنیاد شهید مشاور و کارشناس فیلمنامه بودم. زمانی گروه مدیرانی آنجا بودند که فیلم‌های خوبی ساخته می‌شد. فیلم گل‌های داودی و روز سوم آقای لطیفی در بنیاد شهید ساخته شد، اما دیگر سال‌هاست که شما نمی‌بینید از آنجا فیلمی بیرون بیاید. اگر هم بوده، آثاری هستند که مشارکت کردند و اصلاً قابلیت دیدن ندارند. یک زمانی به‌ آن می‌گفتند «تلویزیون شاهد» و ما یک جریان فیلمسازی در بنیاد شهید می‌دیدیم. محمدعلی طالبی و دیگران زمانی آنجا فیلم می‌ساختند. به‌نظم نگاهمیت شدن سینما در دنیایی که به‌سر می‌بریم هم روی رکود فیلمسازی در ایران بی‌تأثیر نبوده است. سینما دیگر در میان توده‌های مردم آن اهمیت سابق را ندارد.